بسم الله الرحمن الرحیم

# استاد طباطبایی حفظه الله

# بحث عبادیت طهارات ثلاث

سعید یزدانی

# جلسه ۲۹/۰۸/۱۴۰۰

# وجوه عبادیت طهارات ثلاث:

کلام رسید به وجوه توجیه عبادیت طهارات ثلاث :

یک وجه این بود که عبادات با امر دومی تعلق پیدا کرده به ذوات این امور و امر دومی وارد شده ، و طلب اتیان کرده با طلب قصد قربت .

دو جواب دادند: یک جواب تصحیح عبادیت عبادت به امر دوم در بحث تعبدی و توصلی گفته شد که امکان ندارد و جواب دیگری هم از این مطلب دادند .

جواب دیگری هم دادند ، در ضمن جواب دومی که داده شد کلام به اینجا رسید که بالاخره امری که تعلق گرفته یا نفسی است یا تهیئی. امر تهیئی را می گویند برزخی بین امر نفسی و غیری است. به قول سید استاذ نه نر نر نه ماده ماده.

اینها گفته شد سابقا، امر تهیئی اجمالا گفته شد. این امر نمی تواندکار را درست کند و عبادت باشد. چرا که امکان ندارد.

وقتی زمان امر تهیئی رسیده ،‌ مثلا وقت نماز ظهر است، اینجا اگر وضو امر تهیئی داشته باشد که مخالفت امر تهیئی عبادت درست کنیم . آیا کسی که می خواهد وضو بگیرد، قصد اتیان صلاة را دارد یا نه؟ اگر دارد داعی اش برای وضو امر به صلاة است. محقق طهارت برای صلاة وضو است و بدون وضو نمی تواند صلاة انجام دهد، قصد امتثال امر به صلاة او را مجاب کرده که وضو بگیرد. دیگر امر تهیئی داعیت ندارد.

و اگر امر به صلاة ندارد ،‌خودش را برای چی آماده می کند. امر تهیئی محرکیت ندارد، برای چه می خواهی نماز بخوانی . قصد اتیان به ذی المقدمه همان صلاة ، امر تهیئی محرکیت ندارد چون خودت را برای چی می خواهی مهیا کنی؟ امر به صلاة محرکیت دارد و امر تهئی کاری ندارد و در این امور امر تهئیی نمی تواند کاره ای باشد و اینکه در باب مقدمه مفوته وجوب امر تهیئی را اثبات کردید چه بود؟

در مورد واجباتی که هنوز زمان آن نرسیده و قبل از واجب می خواهد اتیان کند ، تصحیح اتیان بالمقدمه از باب امر تهیئی قابل تصور و امکان است ولی در محل کلام ما امکان ندارد. به عبارت دیگر اگر واجب دیگری بود که ظرف آن متأخر است مقدمه ای دارد. مثلا کسی قبل طلوع فجر غسل نکند ، قدرت ندارد صوم عن طهارة را مقارن طلوع فجر قصد کند. می شود گفت صوم امر تهیئی دارد و وقتی واجب هنوز نرسیده مشغول غسل شده این بخاطر واجب تهیئی است . امر تهیئی او را وادار به اتیان کرده چون می داند اگر مقدمه را اتیان نکرد قدرت بر امتثال ندارد و اما اگر مقدمه را اتیان کرد، قدرت بر اتیان ذی المقدمه بعد الوقت دارد .

هنگام اتیان اگر قدرت بر اتیان بر ذی المقدمه را کامل داشته باشد و آمادگی کامل داشته باشد و کسری نداشته باشد، عیبی ندارد که مقدمه را جلوتر اتیان کند و امر مقدمی خاصیتش همین است ، و امر تهیئی مکلف را آماده می کند که در زمان خود بتواند انجام دهد. به حیثی که اگر هم موفق نشد برای اتیان ذی المقدمه از ناحیه این مقدمه نباشد و از ناحیه دیگر باشد. اینجا این امر تهیئی معنا دارد و اشکال پیش نمی آید و نمی توان گفت فایده اش چیست؟

اما در محل کلام اگر امر دارد به ذی المقدمه که داعی از ناحیه اوست و اگر ندارد چه می خواهد انجام بده؟ فرض اینست که زمان رسیدن واجب هنوز نرسیده. صرفا می خواهد قبل از رسیدن زمان واجب مقدمه را اتیان کند و اثرش جز آمادگی برای اتیان ذی المقدمه در وقت چیزی نیست و اشکالی ندارد امر تهیئی را بیارد ، این اثر را دارد. ولی در محل کلام ما امر تهیئی معنا ندارد.

می ماند به این که قائل شویم امر دوم امر تهیئی نیست و امر تهیئی یک امر عبادی نیست تعلق به این مقدمه گرفته ولی یک امر نفسی محض است. این دیگر از محل کلام خارج است. اولا این وجه اول همین بود که مقدمات طهارات ثلاث مستحبات نفسی باشند و این همان است. اگر همان است، وجه جداگانه ای نیست. و ادعا می کنید چون امر نفسی دارد ، عبادیت از این ناحیه آمده اینجا بحث عوض شد.

کلام ما در این است که ، اینها مأمور به امر غیری اند و ما می خواهیم قصد امر غیری کنیم که علی وجه عبادة اتیان شوند.

ما از شما می پرسیم، امر غیری را که امتثال می کنی ، به این به عنوان یک امر نفسی اتیان می کنید کما اینکه در وجه اول گفتیم . اگر بگوییم به عنوان مستحب نفسی نظر می کنیم و اتیان می کنیم به عنوان امر غیری دیگر به بحث ما کار ندارد و این دیگر از بحث ما خارج است.

بنابر این نمی توان به این امر تمسک کرد. اینکه امر غیری به ذات مقدمه تعلق پیدا کرده و امر دیگری وارد شده و طلب می کند اتیان ذات مقدمه را به قصد امر نمی شود مشکل عبادیت طهارات ثلاث را حل کرد. چون عبادیت به امر دوم محل اشکال است. و ثانیا امر دوم چه امری است؟ امر دوم به چی تعلق گرفته؟ امر دوم تهیئی است یا نفسی؟ علاوه بر این اشکال اولی ، مقدمه عمل است ،‌ نه به عنوان ذات مقدمه ،چگونه می شود ذات مقدمه امر داشته باشد و طلب اتیان ذات وضو کند به قصد قربت. و این اشکال اولی را جوابهایی دادیم.

اگر این دو جلسه بررسی کنید معلوم می شود.

# وجه دیگر برای عبادیت طهارات ثلاث :

وجه اینست که ، این طهارات ثلاث به چه وضع عبادی اند و ما قصد چه امری کنیم که عبادت شود. یعنی شرط صلاة است. وقتی امر تعلق به صلاة گرفته ،‌تعلق به مرکب اجزاء و شرایط گرفته . اجزا رکوع و سجود و تشهد است. و شرائط یکی طهارت است. و امری که به کل تعلق گرفته یعنی هر یک از اجزا و شرائط یعنی امر نفسی عبادی ضمنی است و هر یک امر نفسی عبادی و ضمنی، پس وقتی می خواهی اتیان کنی امر را به قصد قربت باید این امر مقدمی را اتیان کنید علی وجه العبادة .

## مناقشه در این کلام:

اولا انبساط امر وارد بر مرکب از اجزاء و شرائط ،‌ حتی شرائط، این اول بحث است. بعبارت دیگر ، قبول داریم که اگر مرکبی بود و امر به این مرکب تعلق گرفت ، اجزا هم واجد آن است اما در مورد شرائط محل بحث است که آیا اینها شامل این امر می شوند یا نه؟ اجزاء و شرائط فرق هایی دارند و جلسه قبل بیان شد و معلوم شد که این اول کلام است. وقتی اجزاء امر ضمنی دارند آیا شرائط هم می توانند امر ضمنی داشته باشند ، این امر مسلمی نیست و نمی توان گفت طهارت امر ضمنی است.

از این هم بگذریم ، بحث ما در وضو و غسل و تیمم است و آنی که معتبر در طهارت است ،‌ طهارت حاصله است.

بر فرض قبول کنیم که واجب مرکب از اجزا و شرائط ، بحث ما در این افعال است که محصل آن طهارت است و صلاة که مرکب نیست از این مسحات و غسلات ، اینها داخل در صلاة نیست که امر ضمنی داشته باشد. پس نمی شود و این بیان کافی برای اثبات مطلب نیست.

شرائط امر ضمنی داشتن محل اشکال است و از این هم بگذریم اینها خودشان محصل شرائط اند و اینها امر غیری دارند و هم اینها که امر غیری دارند ما باید علی وجه عبادة اتیان کنیم و مشکل را حل نکرد.

# وجه دیگر برای عبادیت طهارات ثلاث:

همین که این مقدمات را به قصد توصل اتیان کنید می شود عبادت ،اصولا عبادیت دو صورت دارد یکی به قصد امر است وقتی قصد امر دارید عمل مضافتا الی الله است و راه دیگر توصل به مولا پیدا کردن اگر مقدمه است به قصد توصل به واجب و مطلوب مولا بیارد، و چون این مقدمه را به قصد توصل اتیان کردید این عمل می شود مضافتا الی الله است یعنی یک نحوه اضافه پیدا می کند. و همین مقدار اضافه پیدا کردن کافی است برای مصداق عبادت شدن چون ملاک عبادت اینست که عمل را مضافتا الی الله انجام دهند.

این حرف چه اندازه تمام است و چه اندازه تمام نیست.

و السلام